

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

۲۰ اکتوبر ۲۰۱۴

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

۳

معنای لغوی نماز:

معنای لغوی نماز دعای خیر می باشد طوری که الله سبحانه و تعالی به پیامبرش می فرماید :
« وَصَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ » (صلوات فریست بر آنان ، (یعنی درحقیقت دعای خیر به عمل آر) واقعاً دعای خیر تو برای آنها باعث وقار و بردباری است.
اما نماز در شریعت عبارت از اعمال و گفتاری است که تعلیم از جانب پروردگار و پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما به عمل آمده است . نماز با تکبیر (الله اکبر) آغاز و با تسلیم (سلام گفتن) خاتمه می پذیرد.

کیفیت فرض گردیدن نماز:

محدثین می نویسند: نماز در شب معراج رسول اکرم، صلی الله علیه وسلم، به نزد پروردگار فرض گردیده است. تاریخ آن را تقریباً پنج سال قبل از هجرت می گویند، که این به بیست و هفتم ماه رمضان سال ۶۱۶ میلادی: یعنی به سال هشتم آشکار شدن نبوت محمد صلی الله علیه وسلم برابر می آید.
حکمت در فرضیت بودن نماز این است، که علاقه بنده را با پروردگارش مستحکم می کند و او به سبب اداء کردن نماز خالق مهربانش را شکر سپاس می گوید. این عمل سبب رضایت پروردگار شده او تعالی این بنده شکر گذارش را از نعمتهای دنیوی و اخروی بهرور می سازد.
قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی می فرماید: «لَإِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَإِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (یعنی اگر شکر گذار گردیدید البته نعمتهایم را به شما افزون خواهم کرد. و اگر ناسپاسی کردید پس بدانید عذاب من بسیار سخت می باشد).
اما آن منفعتهای شخصی، که نماز گذار به سبب خواندن نماز کسب می کند این است، که اگر آن را با اخلاص بخواند همیشه در بالای خود الله سبحانه و تعالی را نظارت کننده می بیند.

یکی از منفعت های بسیار مهمی که نماز برای انسان می رساند ، اینست که نماز، انسان را از فحشاء ومنکر باز می دارد: قرآن عظیم الشان (در سورة العنکبوت: آیت ۴۵) می فرماید : « وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ » (و برپا بدار نماز را! بدرستی نماز از کارهای بی حیائی و ناپسند منع می نماید).

و در حدیث دیگری آمده است: « من لم تنته صلاته عن الفحشاء والمنکر لم تزده من الله إلا بعدا وفي رواية فلا صلاة له » (رواه الطبرانی وغيره مرفوعا وموقوفا) هر که را نمازش از کارهای بی حیائی و ناپسند منع ننماید او را از الله تعالی به جز دوری دیگر چیزی نتیجه نباشد. و در روایتی چنین آمده که نمازش درست نشود. چون مسلمان عاقل و مخلص همیشه می کوشد تا هیچ کار بدی را انجام ندهد تا نمازش نزد خداوند نامقبول نشود. زیرا او خوب می داند، که الله تعالی نماز را سبب نجات او گردانیده است و اگر نه الله تعالی هیچ احتیاجی به نماز وی ندارد. خواندن نماز چیزی را در ذات و صفات الله تعالی زیاد نکند و نخواندنش چیزی را از او کم نکند. اما فایده های اجتماعی نماز بسیار بزرگ اند.

در مورد کیفیت فرض گردیدن نماز در شب اسراء در حدیثی از از انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت است که گفت: ابوذر (رضی الله عنه) از پیغمبر خدا (صلی الله علیه وسلم) روایت می کرد که فرمودند: « هنگامی که به مکه بودم سقف خانه ام شکافته شده و جبرئیل «علیه السلام» داخل گردید، سینه ام را گشوده و به آب زمزم شست، بعد از آن طشتی را که پُر از حکمت و ایمان بود ، آورده و در سینه ام خالی کرده و شکاف سینه ام را بست بعد از آن دستم را گرفته و به سوی آسمان عروج نمود، چون به آسمان اول آمدم ، جبرئیل به دربان آسمان گفت: باز کن ، دربان گفت: کیست ؟ جبرئیل گفت من جبرئیل هستم .

گفت: کسی همراهت هست ؟ گفت : بلی ! محمد (صلی الله علیه وسلم) همراهم می باشد. گفت: آیا او مبعوث شده است ؟ گفت : بلی . و دربان ، درب را گشود ، چون به آسمان دنیا بالا شدیم ، دیدیم شخصی نشسته و مردمانی به طرف راستش و مردمانی به طرف چپش قرار دارند ، چون به طرف راستش نگاه می کند می خندد، و چون به طرف چپش می بیند می گیرد، (مارا مخاطب قرار داده) و گفت: پیامبر نیکو کار ، و فرزند نیکو کارم خوش آمدید، از جبرئیل پرسیدم : این شخص کیست ؟ گفت : این (آدم) (علیه السلام) است و این چیزهایی که به طرف راست و چپش قرار دارند، ارواح اولادش می باشد، آنهایی که به طرف راستش هستند: اهل جنت و آنهایی که به طرف چپش می باشند : اهل دوزخ هستند ، چون به طرف راستش می بیند می خندد، و چون به طرف چپش نگاه می کند می گیر ید. بعد از آن مرا به سوی آسمان دوم برده و به دربان همان چیزی را که دربان آسمان اول گفته بود ، تکرار نموده و درب را کشود.)

انس (رضی الله عنه) می گوید : که ابوذر (رضی الله عنه) برایش گفته است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمانها: (آدم) ، (ادریس) ، (موسی) ، (عیسی) و (ابراهیم) صلوات الله عنه، اماکن آنها را مشخص کرده نتوانست، فقط همین قدر به خاطر داشت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، آدم علیه السلام را در آسمان دنیا ، و ابراهیم علیه السلام را در آسمان ششم دیده اند.

از انس (رضی الله عنه) روایت است که گفت: چون جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد ادريس علیه السلام رسیدند گفت : پیغمبر نیکو کار ، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پیامبر صلی الله علیه وسلم می گویند: پرسیدم: (این شخص کیست ؟) . جبرئیل (علیه السلام) گفت: این ادريس است .

بعد از آن نزد موسی (علیه السلام) رسیدیم ، و او هم گفت: پیامبر نیکو کار، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم: (این کیست ؟) .

گفت: این موسی (علیه السلام) است.

بعد از آن نزد عیسی (علیه السلام) رسیدیم، و او هم گفت: پیامبر نیکو کار، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم: (این کیست؟). گفت: این عیسی (علیه السلام) است.

بعد از آن نزد ابراهیم (علیه السلام) رسیدیم و او گفت: پیامبر نیکو کار، و فرزند نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم: (این کیست؟). گفت: این ابراهیم (علیه السلام) است.

انس (رضی الله عنه) می گوید: این عباس (رضی الله عنهما) و (ابو حبه انصاری) (رضی الله عنه) می گفتند: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (بعد از آن تاجائی برده شدم که آواز اقلام (ملائکة) را میشنیدم).

انس بن مالک (رضی الله عنه) می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

(خداوند بر امت من پنجاه وقت نماز، فرض گردانید، باهمین حکم برگشته تا آن که نزد موسی (علیه السلام) رسیدم، پرسید: خداوند بر امت تو چه چیز فرض نمود؟ گفتیم: پنجاه وقت نماز، گفت: واپس به سوی پروردگارت برگرد، چون امت تو طاقت این را ندارند، برگشتم و خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، باز برگشته و نزد موسی آمده و گفتم: خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، گفت: نزد پروردگارت برگرد، چون امت تو طاقت آن را ندارند، برگشتم و باز خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، گفت: باز نزد موسی آمده و باز برایم گفت: نزد پروردگارت برگرد، زیرا امت تو طاقت آن را ندارند، باز برگشتم، و برایم گفت: این پنج است (در عدد)، و پنجاه است (در ثواب)، و این گفته ام تغییر پذیر نیست، باز نزد موسی آمده و او برایم گفت: نزد پروردگارت برگرد، گفتم: از پروردگارم حیا می کنم.

حکم نماز در اسلام:

طوری که در فوق متذکر شدیم قرآن، سنت و اجماع امت، نماز را بر هر مسلمان عاقل و بالغ، فرض گردانیده است. فقط بر زنی که در دوران حیض یا نفاس به سر می برد، فرض نیست.

خداوند می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (سوره بینه آیت ۵) (و به آنان دستور داده نشده است مگر این که خداوند را مخلصانه و حق گرایانه پرستش نمایند و فقط بر دین او باشند و نماز را بر پای دارند و زکات بدهند. و این است آئین راست و درست).

و درجائی دیگری فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». (سوره نساء: آیت ۱۰۳) (همانا نماز بر مؤمنان فرض است و اوقات معینی دارد).

هنگامی که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت معاذ را به یمن فرستاد، فرمود: «و به آنها اعلام کن که خداوند در شبانه روز، پنج نماز بر آنها فرض گردانیده است» (بخاری ۱۳۹۵ و مسلم ۵۰).

ابن عمر (رض) می گوید: نبی اکرم (ص) فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَالحَجِّ لِمَنْ اسْتَطَاعَهُ». (بخاری (۸) و مسلم (۱۶))

اسلام بر پنج چیز بنیان گذاری شده است:

۱- شهادت و گواهی دادن بر این که هیچ معبودی به جز الله، وجود ندارد.

۲- برپا کردن نماز.

۳- پرداخت زکات.

۴- روزه گرفتن ماه مبارک رمضان.

۵- حج بیت الله برای کسی که استطاعت آن را دارد.

عبادة بن صامت (رض) می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ بِوَنٍّ لَمْ يَضِيعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يَدْخُلَهُ الْجَنَّةَ». «خداوند، پنج نماز بر بندگانش، فرض نموده است. هر کس، آنها را بدون استخفاف، اداء نماید و ضایع نگرداند، خداوند، عهد نموده است که او را وارد جنت نماید».

آیات و احادیث درباره فرضیت نماز بسیار زیادند که ما به ذکر همین اندازه اکتفاء می‌کنیم. همچنین امت اسلام بر فرض بودن پنج نماز در شبانه روز، اجماع نموده اند. (المغنی ابن قدامة (۶/۳) . (۴) بخاری (۱۱۴/۱) و مسلم).

اما نمازهای پنج گانه بر زنانی که در دوران عادت ماهیانه و یا نفاس به سر می‌برند، فرض نیست زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَلَيْسَتْ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَ لَمْ تُصُمْ». یعنی مگر نه این است که زن، در دوران عادت ماهانه، نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد؟

مقام نماز در اسلام:

نماز در دین مقدس اسلام از جایگاه بسیار والائی برخوردار است. و دلایل آن عبارتند از:

۱- نماز، ستون دین است. و باید دانست که دین بدون این ستون، برپا نمی‌شود. معاذ می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَزُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ». یعنی «رأس امور اسلام و ستون آن، نماز است. و قله آن، جهاد می‌باشد». و باید دانست که اگر ستون بیفتد، ساختمان، نابود خواهد شد.

(ترمذی (۲۶۱۶) و ابن ماجه (۱۳۱۴/۲) و احمد (۲۳۱/۵) . و ترمذی درباره آن، گفته است: این حدیث، حسن و صحیح است و آلبانی نیز آن را در ارواء القلیل (۱۳۸/۲) تحسین نموده است.)

۲- اولین عملی که بنده به خاطر آن محاسبه می‌شود، نماز است و خوبی و بدی اعمال انسان، به نمازش، بستگی دارد. انس بن مالک روایت می‌کند: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (أَوَّلُ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلَاتُهُ فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِمَلَايِكَتِهِ انْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَأَكْمَلُوا بِهَا مَا ضَيَعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ ثُمَّ تَوَخَّذُوا الْأَعْمَالُ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ) «اولین چیزی که در روز قیامت، بنده به خاطر آن، محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نمازش را کامل اداء نموده است، به طور کامل، برایش به حساب می‌آید و اگر نمازش را به طور کامل اداء نکرده است، خداوند به فرشتگانش می‌گوید: ببینید آیا بنده‌ام، نماز نفلی دارد که فرایضش را به وسیله آن، کامل کنید؟ بعد از آن، محاسبه زکات و سایر اعمال به همین ترتیب، انجام می‌گیرد». (ابوداود (۸۶۴، ۸۶۶) و ابن ماجه (۱۴۲۵) و احمد (۶۵/۴، ۹۰۳، ۳۷۷/۵) و صحیح الجامع آلبانی (۳۵۳/۲).

۳- آخرین چیزی که از دین، ضایع می‌شود، نماز است. پس اگر نماز که آخرین امر دین است، ضایع گردد، چیزی از آن، باقی نمی‌ماند.

ابوامامه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (لَيَنْقُضَنَّ عَرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةٌ عُرْوَةٌ فَكُلَّمَا انْتَقَضَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّثَ النَّاسُ بِاللَّيْلِ تَلِيهَا وَأَوَّلُهُنَّ نَقْضُ الْحُكْمِ وَآخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ). «ریسمانهای اسلام، یکی پس از دیگری، کنده می‌شوند. هر گاه، یکی کنده شود، مردم به ریسمانهای بعدی، چنگ می‌زنند. اولین ریسمانی که کنده می‌شود، حکومت (حاکمیت اسلام) است و آخرین آنها، نماز می‌باشد».

و در روایتی دیگر، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اولین چیزی که از میان مردم برداشته می شود، امانت است و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است و چه بسا نمازگزاری یافت می شود که هیچگونه خیری نداشته باشد». (احمد (۲۹۰/۴، ۳۱۱، ۳۲۱) و آلبانی در إرواء القلیل (۲۳۸/۷) آن را صحیح دانسته است.

۴- آخرین وصیت پیامبر اسلام به امتش، نماز بود:

نماز، آخرین وصیتی است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم امتش را به آن، وصیت کرد.

ام سلمه رضی الله عنها در حدیثی می فرماید: یکی از آخرین وصیت های رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُلْجِئَهَا فِي صَدْرِهِ وَمَا يَفِيضُ بِهَا لِسَانُهُ». ۵- خداوند، اقامه کنندگان نماز و کسی را که خانواده اش را بدان امر می کند ستوده است آنجائی که می فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا(۵۴) وَكَانَ يُأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (سوره مریم: آیات ۵۴ و ۵۵).

(و در قرآن از اسماعیل یاد کن. او در وعده هایش راست و پیامبر والا مقامی بود و خانواده اش را همواره به خواندن نماز و دادن زکات، دستور می داد و نزد پروردگارش، مورد رضایت بود).

۶- خداوند، کسانی را که تنبلی می کنند و نماز را ضایع می نمایند، مذمت نموده است. چنانچه می فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يَرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يُذْكَرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (سوره نساء: ۱۴۲) (همانا منافقین، خدا را فریب می دهند در حالی که خداوند، آنان را فریب می دهد و هنگامی که برای نماز بر می خیزند با سستی و تنبلی و برای نشان دادن مردم، نماز می خوانند و خدا را فقط اندکی یاد می کنند).

۷- بزرگترین رکن و ستون اسلام بعد از شهادتین، نماز است.

عبد الله بن عمر (رضی الله عنهما) می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ». اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است:

۱- شهادت و گواهی دادن بر این که هیچ معبودی به جز الله، وجود ندارد و محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده خداست.

۲- برپا داشتن نماز.

۳- پرداخت زکات.

۴- روزه ماه مبارک رمضان.

۵- حج بیت الله الحرام. (بخاری (۸) و مسلم (۱۶)).

۸- یکی از اموری که بر عظمت نماز دلالت می کند، اینست که خداوند، آن را به واسطه جبرئیل (ع) و در زمین، فرض نگرداند بلکه بدون واسطه در شب معراج و بالای هفت آسمان، آن را فرض نمود.

- و از آنجا که نماز از اهمیت بسیار والائی برخوردار است، خداوند اعمال رستگاران را با نماز آغاز نموده و با نماز به پایان رسانیده است چنان که می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (سوره مؤمنون: ۱- ۹).

(همانا مؤمنان، رستگار شدند. آن کسانی که در نمازشان خشوع دارند و از کارهای بیهوده روی می گردانند زکات اموالشان را می پردازند و شرمگاهایشان را حفاظت می کنند به جز همسران و کنیزان خود. که در این صورت، قابل

سرزنش نیستند و کسانی که غیر از این را دنبال کنند، آنان تجاوزکارند. همچنین مؤمنان رستگار- کسانی هستند که امانت دارند و به عهد و پیمان خود، وفا می‌کنند و از نمازهایشان محافظت می‌کنند).

۱۰- خداوند به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم و پیروانش دستور داده است که خانواده های خود را به خواندن نماز، امر کنند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (سوره طه: ۱۳۲). (خانواده ات را به خواندن نماز امر کن و خود نیز بر خواندن آن استقامت کن. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و سرانجام از آن پرهیزگاری است).

عبد الله بن عمر می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاصْرِبْهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» «فرزندانتان را در سن هفت سالگی، به خواندن نماز وادار کنید و در ده سالگی، آنها را به خاطر نماز، تنبیه کنید و محل خواب آنها را جدا کنید». (ابوداود (۴۹۵) و احمد (۱۸۰/۲، ۱۸۷) و آلبانی آن را در ارواء القلیل (۷/۲ و ۲۶۶/۱) صحیح دانسته است.

۱۱- به کسی که در خواب بماند و یا هم اقامه نماز را فراموش کند، دستور داده شده است تا قضای آن را به جای آورد. و این امر، اهمیت نماز را می‌رساند.

انس بن مالک می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيَصِلْهَا إِذَا ذَكَرَهَا لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ». (هر کس نمازی را فراموش کرد، هنگامی که به یادش آمد، آن را بخواند. زیرا نماز، کفارهای جز این (قضا آوردن) ندارد).

و در روایت دیگری در صحیح مسلم، چنین آمده است که رسول اکرم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يَصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا» (هر کس نمازی را فراموش کرد یا خواب رفت، کفارهاش اینست که هنگام یاد آمدن (یا بیدار شدن) آن را بخواند). (روایت بخاری (۵۹۷) و مسلم (۶۴۸)). همچنین، کسی که سه روز یا کمتر، بی‌هوش شود، حکم کسی را دارد که خواب رفته باشد (بعد از این که به هوش آمد، نمازهای فوت شده را بخواند) و این مطلب از عمار، عمران بن حصین و سمره بن جندب (رضی الله عنهم) روایت شده است. (الشرح الكبير ابن قدامة (۸/۳) و المغنی (۵۰/۲ - ۵۲)). ولی اگر دوران بیهوشی، بیشتر از سه روز باشد، قضاء آوردن نمازهای فوت شده، لازم نیست زیرا شخصی که بیشتر از سه روز بیهوش شود، در زوال عقل به انسانی که دیوانه است شباهت دارد. (تفصیل موضوع را می‌توانید در مجموعه فتاوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله (۴۵۷/۲) مطالعه فرمائید.)

تتبع و نگارش :

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمن